روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

یکشنبه • ۴ شهریور ۱۳۹۷ • ۱۴ ذی‌الحجه ۱۴۳۹ • ۲۶ آگوست ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۳۲۲۸ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۶ • اذان مغرب ۱۹:۵۹ • اذان صبح‌فردا ۵:۰۴ • طلوع آفتاب ۶:۳۲

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

میدون و سوفیا

دست‌به‌مایو‌ممنوع

پوریا عالمی

● «ای آنکه مذاکره شعارت؛ استخر فرح در انتظارت». چند روز پیش که یک بابایی یک تابلو وسط یک جایی گرفت دستش و جمله بالا روش نوشته شده بود، همه فکر کردیم از دستشان در رفته!

اما پایه تابلو، یک برچسب اموال داشت و خیلی بزرگ توضیح داده بود: داداش، بعد از اینکه به صورت خودجوش این تابلو را نشان دادی و کردی توی چشم دوربین، باید تابلو را برگردانی به اموالی، چون صاحاب دارد؛ بی‌صاحاب که نیست برداری ببری خونه. بعد از این کار بود که ۶۰ نفر افتادند به تکذیب که این تهدید نیست. ۳۰۰ نفر گفتند اصلا ما تابلو نداریم. ۵۰۰ نفر گفتند ما اصلا خودجوش نداریم؛ داشته باشیم هم نهایتا خودتراش داریم. هزارو۳۰۰ نفر هم گفتند اصلا آن روز در آنجا هیچ مراسمی برگزار نشده که حالا یک نفر به صورت خودجوش یکی از تابلوهای خودجوش را دستش گرفته باشد! ما هم قبول کردیم؛ یعنی گفتیم به‌هرحال ممکن است از دست هر کسی در برود. بزرگ و کوچک که ندارد.

تا اینکه دیروز ایسنا و روزنامه ایران گزارش دادند که «بر اساس فیلمی که از سخنرانی یک مداح مشهور منتشر شده، وی با اشاره به اقدامات مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی و برنامه‌های دولت حسن روحانی می‌گوید: «اون یارو آخرش در استخر مرد، این یارو هم آخرش در استخر می‌میرد». و از دیروز همه می‌گویند دوباره رئیس‌جمهور رسما تهدید شده! ما اما می‌گوییم اصلا مسئله تهدید و این چیزها نیست. مسئله سُرخوردن است. همه می‌دانیم که سیاست صابونی است که به تن هر سیاست‌مداری خواهد خورد. حالا اگر این صابون کف زمین باشد و یکی پاش برود و سُر بخورد، مقصر صابون است؟ یا آنکه سُر خورده؟ بعد هم الان مشکل همه افرادی که روحانی را دعوت به استخر می‌کنند دقیقا همان مشکلی است که با هاشمی‌رفسنجانی دارند؛ یعنی می‌گویند وسط بحران آب و خشک‌سالی کسی که استخر می‌رود باید پای لرزش هم بنشیند. آیا اگر هاشمی‌رفسنجانی جای استخر می‌رفت پارک ارم یا پارک ملت، کسی با او مشکل داشت؟ پس بهتر است روحانی هم تا اطلاع ثانوی دست به مایو نبرد.

جمع‌بندی: سوفیا... عشقم... یه‌طوری رئیس‌جمهور مملکت را به استخر بفرما می‌زنند که آدم می‌گوید دیگر توی آزادی بیان به خودکفایی رسیده‌ایم و می‌توانیم مازادش را صادر کنیم.

عاشق بی‌زبان تو؛ میدون دوم

کارتون خواب

آنجل بولیگان

مغز اجتماعی-۳۱

مرض «خودگاوپنداری» در نقشی ماندگار

به یاد عزت‌الله انتظامی

عبدالرحمن نجل‌رحیم
مغزپژوه

در فیلم «گاو» داریوش مهرجویی، بازی درخشان عزت‌الله انتظامی، رابطه استثنایی مملو از هیجان و عاطفه عاشقانه مش‌حسن با تنها گاو شیرده آبستن ده خود به‌یادماندنی است. پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند که گاو با هیکل تنومند و کم‌جنب‌وجوش، ظاهر بی‌تفاوت و بی‌شعورانه، اغلب در حال نشخوار، که اندام، قیافه و چشم‌های زلش، بعضی‌ها را می‌ترساند، درواقع بسیار با عطوفت و دارای حافظه و شناخت قوی و از فهم اجتماعی قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار است. رفتار گاو اهلی بستگی به رفتار انسان‌های پیرامونش دارد. اگر انسان‌ها با او به‌عنوان موجودی احمق روبه‌رو شوند، گاو نیز چنین برخوردی متقابلانه پیدا می‌کند. طبق بررسی‌های جدید، گاو حیوانی است که می‌تواند هیجانات مثبت و منفی خود را از طریق چشم‌ها، پرحرارتی بینی و وضعیت گوش‌هایش نمایان کند. افسردگی ویران‌کننده در چنین محیط بی‌امیدی او را به مرض نادر «خودگاوپنداری» مبتلا می‌کند. سناریوی فیلم گاو را مهرجویی با یاری غلامحسین ساعدی نوشته که خود از مجموعه‌داستان‌های «عزاداران بیل» او گرفته شده است. ساعدی پزشک است و خوب می‌داند که مش‌حسن در فراق گاو خود مریض و دچار افسردگی هذیانی و توهمی عمیق شده. او خوب می‌داند که مش‌حسن، به جن یا شیطان‌زدگی مبتلا نشده یا نیروهای ماورای‌طبیعی او را تسخیر نکرده‌اند، بلکه مغز او گرفتار افسردگی جنون‌آمیز و در نتیجه آن، «خودگاوپنداری» شده است، اما بدیهی است که رفتار اهالی ده که دچار عقب‌ماندگی فرهنگی هستند و پندارهای فراطبیعی دارند، برداشتی خرافی از این واقعه دارند که در قصه مستتر است. ساعدی در هنگام نوشتن این داستان حتما از اهمیت تاریخی گاو به‌عنوان آغازگر حیات در اعماق فرهنگ باستان پارسیان اطلاع داشته و می‌دانسته که اولین گزارش به‌جامانده از «خودگاوپنداری بالینی» در تاریخ ما که در چهار مقاله نظامی عروضی و هفت اورنگ عبدالرحمن جامی آمده، مربوط به شاهزاده دیلمی در شهر ری است که ابوعلی‌سینا به درمانش شتافته. ابوعلی‌سینا می‌دانست که بیمار او دچار جن‌زدگی نشده و ارواح خبیثه او را تسخیر نکرده‌اند، بلکه او دچار مرض مالیخولیا یا نوعی افسردگی شده است. از علائم این بیماری، ازدست‌دادن غریزه زندگی و بی‌اشتهایی، امساک از معاشرت با دیگران و میل به خودکشی، همراه با توهم و هذیان و به هیئت گاو درآمدن است. بیمار می‌خواهد در قالب گاو بماند، فریاد می‌زند که زودتر سرش را ببرند و سلاخی کنند، چون ممکن است چنان از فرط نخوردن لاغر شود که گوشتش غیرقابل استفاده شود. بوعلی‌سینای پیشرو، باهوش و خلاق، برای درمان این شاهزاده دیلمی به نوعی صحنه‌سازی و تئاتردرمانی تلقینی دست می‌یازد و خود را به شکل قصاب درمی‌آورد و در لباس قصابی ضمن سابیدن کارد قصابی، به سراغ بیمار می‌رود، اما پس از این صحنه‌سازی، به بهانه پروارنبودن گاو برای کشتار، امر به غذا و داروی فراوان‌خوراندن به او می‌کند و این روش درمان کارساز می‌افتد و بیمار درمان می‌شود. اگر «خودگاوبینی» که در فرهنگ شرق گزارش شده، در غرب نیز به آن «خودگرگ‌پنداری» یا «لیکانتروپی بالینی» می‌گویند، زیرا در فرهنگ غرب، افسانه‌های قدیمی و خرافات وابسته به آن، نه درباره تبدیل انسان به گاو، بلکه درباره تبدیل انسان به گرگ است. «خودگرگ‌پنداری بالینی» در غرب می‌تواند به‌طور نادر در زمینه بیماری‌های اسکیزوفرنی، جنون دوره‌ای افسردگی- شیدایی و افسردگی بروز کند. در اغلب مواقع بیمار خود را در قالب گرگ، ولی گاهی نیز در قالب خوک و حیوانات دیگر می‌بیند. این پدیده امروزه نادر است و در ۱۵۰ سال گذشته ۵۶ مورد گزارش شده که مردها بیشتر از زن‌ها بودند. بیماری ممکن است از یک ساعت تا ۱۰ سال طول بکشد. با تصویربرداری مغزی امروزی می‌توان فهمید که نقشه‌های مغزی در نواحی مربوط به ادراک شمای بدنی که برای ساختن خویش لازم است دچار تغییر و تحول اساسی می‌شوند.

ساعدی، در این قصه از حیطه تشخیص و درمان بالینی این بیماری فراتر می‌رود. او فقر، نادانی، خرافات و ترس فلج‌کننده از خود و دیگری در جامعه‌ای بدوی را با بیماری مش‌حسن گره می‌زند. گاوشدن مش‌حسن، برای او ابعاد اجتماعی و فرهنگی وسیعی دارد. درواقع، اتفاقی واپس‌گرایانه و قهقرایی انسانی است در جامعه‌ای سخت عقب‌مانده که روزنه امیدی به آینده ندارد. تأکید ساعدی به جدایی‌ناپذیری معنویت از مادیت در متن داستان بافته شده است. در این رابطه ملودی‌های ساده و عریان درعین‌حال بی‌ادعای هرمز فرهت به آفرینش فضای عاشقانه، مأیوسانه و زمین‌گیرانه فیلم مهرجویی کمک کرده است. فیلم گاه با مایه‌های سوررئالیستی اغراق‌آمیز، شرایط پرتناقض زندگی پیرامونی حاصل از خرافات و باورهای ماورای‌طبیعی انسان‌ستیز را به ما نشان می‌دهد. پذیرفتنی است که مرض «خودگاوپنداری» مش‌حسن، پس از مرگ گاو او ناشی از واقعیت شرایط زندگی او باشد و چه زیبا انتظامی این مرض را مجسم می‌کند. او گویی مش‌حسن را در حال توهم هذیان جنون‌زدگی و «خودگاوانگاری»، زیسته است. نه‌تنها چشم‌های پرسفیدی و نگاه گنگش در حدقه پف‌کرده و دهان جنبنده در حال نشخوار و حالت سر و گوش‌ها و صورت، شاخ‌کوبیدن‌های گاوانه‌اش به دیوار طویله، بلکه حرکات نافرمان‌بردار، بی‌قرار و شورشی او در تقابل با اقدامات خرافی، نذر و نیازهای جادوگرانه آزاردهنده اهالی ده، همه‌وهمه نمایشی است کامل از ابعاد جنون افسردگی وخیم مش‌حسن خودگاوپندار. این مش اسلام، دانا و توانای کل ده است که در انتها او را چون گاوی دیوانه با طناب می‌بندد تا به بیمارستانی در شهر ببرد، ولی در راه رساندن به شهر، او را چون گاوی نافرمان به تازیانه می‌بندند. نعره‌های گاوانه مش‌حسن (انتظامی)، در هنگام سقوط به دره، چون گاوش در چاه، فریاد درد انسان به قهقرا رانده‌شده عاشق زندگی، از اعماق کالبد خودگاوپندار انسانی است در طلب رهایی و رسیدن به نور و زندگی. هرچه باشد گاو در اعماق فرهنگ ما موجود آغازین حیات است. نقش گاو انتظامی در تاریخ سینمای ایران ماندگار خواهد بود.

یادداشت

روشنفکر، مرغ عروسی و عزا

فریدون مجلسی

اینکه کسی توانسته باشد کسب دانش و آگاهی‌های اجتماعی، ادبی، هنری و سیاسی کرده باشد، کافی نیست که بتوان او را روشنفکر نامید و از او انتظار اثرگذاری در توسعه سیاسی و اجتماعی جامعه‌اش داشت، او نیاز به اندیشه‌ای زاینده دارد؛ یعنی آن زمینه‌های آموزشی باید بتواند در خلاقیت فکر و اندیشه به کار آید. خلاقیت نیاز به استقلال فکری دارد. یعنی کسی که اندیشه‌اش در بند و اسارت قالبی از پیش تعیین‌شده باشد، در واقع نمی‌تواند خلاقیتی افزون بر قالب الزامی خود داشته باشد. شرایط بحرانی اجتماعی و اقتصادی در زمانی که حزب توده در ایران تأسیس شد و تحولاتی که در همسایگی ایران در روسیه جریان داشت، برای جوانان فرهیخته آن روزگار نوید عدالت اجتماعی می‌داد و آنان که از این لحاظ به شدت احساس آزردگی و کمبود می‌کردند، به سوی آن آرمان نویددهنده کشیده شدند. بسیاری از آنان روشنفکران زمان خود بودند که راه رهایی را در پیوستن به آن حرکت جمعی برای نیل به برابری و عدالت می‌پنداشتند. متأسفانه دولت شوروی از همان آغاز قالب فکری و رفتاری محدود و ویژه‌ای را به کادرهای حزبی و ملت خود تحمیل می‌کرد و به‌زودی حزب توده ایران را هم تابع شیوه‌های خود کرد.

جالب آنکه اعضا و پیروان آن حزب در ایران خود را پرچم‌داران پیشرو و روشنفکران خواهان تغییر و تحول نهادین و مفتخر به تفکر چپ می‌دانستند که از نشانه‌های روشنفکری بود. زیرا دست‌راستی‌بودن یعنی گرایش به تمایلات محافظه‌کارانه و مقاوم در برابر تغییر، ابتکار و خلاقیت، نمی‌توانست با خلاقیت روشنفکرانه سازگار باشد. اما تعارض هنگامی شدیدتر شد که قالب‌های فکری و رفتاری ابلاغی از سوی حزب مادر، یعنی حزب کمونیست شوروی، روزبه‌روز کادرهای متوقع ایرانی را محدودتر و مقیدتر می‌کرد. در زمانی که دولت شوروی در پایان جنگ جهانی دوم درصدد جداسازی آذربایجان برآمد، از حزب توده ایران و اعضای آن خواست که از این دستور پیروی کنند. همین امر روشنفکران واقعی آن حزب را به تفکر مستقلانه خودشان واداشت و دفاع از تجزیه ایران را مغایر ایرانی‌بودن و هویت خود دانستند و موجی از ریزش در میان پیشروترین عناصر حزبی آغاز شد. هنوز چندسالی نگذشته بود که ملت ایران پیرامون نهضتی ملی برای ملی‌کردن مهم‌ترین منبع درآمد خود به رهبری دکتر مصدق گرد آمد و دولت شوروی که روی گرفتن امتیاز نفت شمال ایران حساب باز کرده بود، به حزب توده دستور مقاومت داد تا مبادا به منافع دولت شوروی زیانی وارد شود. تظاهرات حزب توده در مقابله با نهضت ملی ایران موج دیگری از کادرهای روشنفکر آن حزب را که نمی‌توانستند احساسات ملی خود را قربانی قالب‌های فکری تحمیلی استالینی کنند به ریزش واداشت، تا اینکه حزب دستور داد از مقابله با جریان نهضت ملی دست بردارند. آن‌گاه حزب توده به حمایت از نهضت ملی پرداخت که رنگ ضدغربی‌تری پیدا کرده و حمایت آمریکا را از دست داده بود و اتفاقا تظاهر حزب توده به حمایت از نهضت ملی موجب شکست آن جنبش شد. منظور بیان بخشی از تحولات تاریخی ایران نیست، منظور نشان‌دادن نمونه‌های مقاومت روشنفکری در مقابل اسارت در رفتار و اندیشه است. این مثال مربوط به ایران بود که حزب توده در آن حاکمیت نداشت و عناصر روشنفکر آن می‌توانستند خود را از زیر بار قالب‌های فکری و رفتاری نامتناسب با آرمان‌های درونی خود رها کنند. در شوروی که حزب همه‌روزه بایدها و نبایدها و قواعد رفتاری و توقعات مردم را تنظیم و ابلاغ می‌کرد، رهایی از آن‌گونه اسارت به امری محال تبدیل شد، یعنی ماشین کشتار و اعدام شوروی و کارخانه سیبری جایی برای بقای استقلال روشنفکرانه باقی نگذاشت و در امواج بعدی که ماشین کشتار به ادامه کار خود عادت کرده بود، اعتیاد خود را با مصرف عناصر دیگر که الزاما روشنفکر هم نبودند مانند کولاک‌ها یا بورژواهای پیشین تسکین می‌بخشید.

این امر به شوروی منحصر نمی‌شد، شوروی معیار و سرمشقی بود برای کشورهایی که زیر سلطه آن قرار گرفته بودند. اما در کشورهایی کاملا متفاوت یعنی متعهدان به اندیشه‌ها و شیوه‌های در سمت راست طیف سیاسی نیز عینا همین رفتار دیده می‌شود. حزب نازی در دوران هیتلر قربانیان خود را فقط از میان یهودیان و کولی‌ها به دلیل نژادی نمی‌گرفت، هرگونه تفکر چپ و روشنفکرانی که می‌خواستند استقلال فکری و رفتاری خود را حفظ کنند نیز قربانی شدند. در اسپانیا این مبارزه منجر به جنگ و کشتاری بزرگ در میان دو قطب متفاوت شد؛ گرچه در اسپانیا روشنفکران خوش‌خیال بیشتر به جبهه چپ پیوسته بودند که آن را حزب کمونیست در اختیار داشت و معلوم نبود در صورت پیروزی و در مرحله بعدی با همان روشنفکران چه رفتاری داشته باشد.

در شیلی بعد از کودتای کاملا دست‌راستی ژنرال پینوشه بر اثر کمبود زندان هزاران نفر و اغلب از روشنفکران را در استادیوم فوتبال محبوس کردند و به خاک‌وخون کشیدند و در آرژانتین و برزیل نیز شاهد همین روند دست‌راستی بودیم. اما در کوبا ماشین تصفیه به‌طور معکوس به کار افتاد. می‌توان نتیجه گرفت که تعریف روشنفکری در جوامع دموکرات و باز با روشنفکری در جوامع بسته متفاوت است. روشنفکر دانمارکی منعی در بیان نظرات و ابراز مخالفت‌های خود ندارد و نمی‌تواند بندها و سدهایی را که روشنفکر در جوامع مقید و بسته با آن مواجه است درک کند. در جوامع بسته چپ و راست، روشنفکر مرغی است که آن را هم در عروسی سر می‌برند و هم در عزا.

حقوق بشر

روهینگیا رنج مدام

بیش از یک سال است که مجموعه‌ای از مردم مسلمان روهینگیا به مرزهای بنگلادش پناه برده‌اند.

یکی از آنها ابواحمد و فرزند کوچکش است؛ فرزندی که حاضر است هرکاری برای مراقبت از او انجام دهد. فیلم کوتاهی که حساب کاربری یونیسف از آنها منتشر کرده می‌تواند قلب بیننده را به درد بیاورد؛ البته شاید. او می‌گوید هنگامی که خانه‌اش زیر آتش قرار گرفت، به همراه همسر و فرزندش فرار کرد. در حال فرار همسر ۲۵ ساله‌اش گلوله می‌خورد و کشته می‌شود. او و فرزند ۴۰ روزه‌اش، محمد، سه روز در نگل و در باران شدید بوده‌اند تا به کمپ‌های بنگلادش می‌رسند. محمد که عادت داشته همیشه در بغل مادرش بخوابد، در این مدت خواب آرامی نداشته است. ابواحمد می‌گوید وقتی خیلی کوچک بوده، مادر و پدرش را از دست داده است، به همین خاطر فرزندش را بسیار دوست دارد و هرکاری برای او انجام می‌دهد، اما یونیسف سعی می‌کند به یاد بسیاری از مردم جهان بیاورد که این زندگی شایسته مردم روهینگیا نیست؛ آنها که در خطر انقراض نسل هستند. یونیسف از مردم جهان خواسته تا به بیش از صد هزار پناهنده‌ای که به این کمپ‌ها پناه آورده‌اند که البته بیش از نیمی از آنان کودک هستند کمک کنند. یونیسف معتقد است: «این مردم از خشونت و بی‌رحمی غیرقابل‌توصیفی فرار کرده‌اند و قطعا زندگی در این پناهگاه‌ها نمی‌تواند تا ابد ادامه پیدا کند. آنان در لبه تلخ زندگی سراسر ترس از گذشته و ناامیدی از آینده زندگی می‌کنند». یونیسف درخواست کرده است تا مردم برای ایجاد یک پایگاه جدید برای حقوق و فرصت‌های مناسب برای کودکان روهینگیا در بلندمدت کمک کنند.

به نظر نمی‌آید حتی برنده صلح نوبل، آنگ سان سوچی، قصدی برای کمک به مردم مسلمان روهینگیا داشته باشد. به نظر نمی‌رسد آنها حتی امکان بازگشت دوباره به کشور و زندگی خود را داشته باشند.

میلیون‌ها جایزه بدون قرعه کشی

به پرداخت ملت

فقط با یک تراکنش در جشنواره عید تا عید اپلیکیشن سکه

شرکت به‌پرداخت ملت، ارائه دهنده خدمات پرداخت الکترونیک جشنواره‌ایی تحت عنوان «عید تا عید» با شعار عیدتو سکه کن را از تاریخ ۹۷/۰۵/۳۱ لغایت ۹۷/۰۶/۰۸ همزمان با ایام مبارک عید قربان تا عید غدیر برگزار می‌کند.

در این جشنواره میلیون‌ها جایزه‌ی نقدی و غیرنقدی بدون قرعه‌کشی برای کاربران اپلیکیشن سکه به همراه قرعه‌کشی نهایی ۳ دستگاه خودرو پژو ۲۰۶ به همراه ۱۰ کمک هزینه سفر به جام ملت‌های آسیا برای قدردانی از همراهی کاربران محترم در نظر گرفته شده است.

جوایز بدون قرعه‌کشی جشنواره به شرح زیر می‌باشد:

کنسول بازی PS4 ، شارژ کیف پول ۵۰۰ هزار ریالی تا ۱۰ هزار ریالی، سفرهای رایگان اسنپ ، کد تخفیف سایت‌های دیجی‌کالا ، تخفیفان ، مدیسه ، اسنپ‌فود، علی‌بابا ، کاربوی ، الوپیک ، پلاک ، فیلیمو ، جاباما ، امداد خودرو ، زودشور ، نوار و چونک

کاربران قادر خواهند بود تا با استفاده از هر یک از خدمات خرید شارژ ، پرداخت قبوض ، خرید بسته اینترنت ، پرداخت جریمه خودرو و... بطور قطعی برنده یکی از میلیون‌ها جایزه معرفی شده باشند.

نحوه دریافت شانس از گردونه به این صورت در نظر گرفته شده است که به هر کاربر پس از انجام هر تراکنش بالای ۱۰ امتیاز ، یک شانس برای چرخاندن گردونه‌ی جوایز تعلق خواهد گرفت و کاربر با مراجعه به قسمت گردونه در اپلیکیشن و چرخاندن آن ، ۱۰۰٪ برنده‌ی یکی از جایزه‌ها می‌شود.

در پایان جشنواره ، کلیه‌ی شرکت‌کنندگان جشنواره ، در قرعه‌کشی جوایز اصلی نیز شرکت داده خواهند شد و هر کاربر به ازای هر ۱۱۰ امتیاز بدست آورده از تراکنش‌ها ۱ شانس برای برنده شدن جوایز قرعه‌کشی نهایی بدست می‌آورد.

جوایز نهایی پایان جشنواره شامل ۳ دستگاه خودرو پژو ۲۰۶ و ۱۰ کمک هزینه سفر به جام ملت‌های آسیا در امارات خواهد بود.

برای شرکت در این جشنواره و دریافت شانس گردونه‌ی جوایز از میان میلیون‌ها جایزه جشنواره و همچنین افزایش شانس برنده شدن خودرو پژو۲۰۶ و سفر به جام ملت‌های آسیا تنها کافی است پس از نصب اپلیکیشن سکه، تراکنش‌های خود را با آن انجام دهید.

برای دریافت اپلیکشن و کسب اطلاعات بیش‌تر به سایت sekeh.behpardakht.com/eydtaeyd مراجعه فرمایید.